

کاربرد های مهم **about** در نقش حروف اضافه

کاربرد اول

به معنی "درباره ی / راجع به / در مورد" هست. مثلا :

She said something **about leaving town.**

یه چیزی در مورد ترک کردن شهر گفت.

He lied **about his age.**

در مورد سنش دروغ گفت.

It's **about Akbar, doctor. He's been sick again.**

(موضوع/قضیه) راجع به اکبر آقااست، دکتر. دوباره مریضه.



Attention

حالا در این کاربرد میتونیم به جای اینکه بگیم:

What is he talking about?

بگیم:

What's he on about?

و یه زمانی هست که میخوام به طرف مقابلم بگم "میخوام هر چی در موردش هست رو بدونم/میخوام تمام جزئیات مربوط بهش رو بدونم." اینجا میتونم بگم:

I want to know all about it.

میتونه به worry, upset, happy و اینجور چیزا هم به کار بره!

I'm really worried about you.. واقعا نگرانتم..

Is she happy about being pregnant?

از باردار بودن خوشحاله؟



کاربرد دوم

میتونه به معنی "در اطراف/این طرف و اون طرف" باشه.
مترادفش میشه : **around** یا **round**.

We spent the whole afternoon walking **about town.**

کل بعد از ظهرو با پیاده روی اطراف شهر گذروندیم.

Books were scattered **about room.**

کتاب ها در اتاق پخش و پلا بود.

کاربرد سوم

میتونه به معنی "در شخصیت / در ذات / در مورد" باشه.
زمانی که میخوایم در مورد ویژگی یا شخصیت چیزی یا
کسی صحبت کنیم، میتونیم ارزش استفاده کنیم.

There is somthing really strange about gudarz



مفهومش چیه؟ یعنی یه چیز عجیب و غریبی در مورد شخصیت گودرز وجود داره. / توی ذات گودرز یا شخصیت گودرز یه چیزی خیلی عجیبی هست.
یا مثلاً میتونی از الگوی **What I like about** استفاده کنی.

What I like about the car is that it's so comfortable.

چیزی که در مورد ماشین دوست دارم اینه که خیلی راحت.

توی محاوره میتونیم از **how/what about some-one/something** استفاده کنیم.
کی؟! مثلاً زمانی که میخوایم پیشنهاد بدیم.

How about a salad for lunch?

سالاد برای ناهار چگونه؟

یا مثلاً زمانی که میخوایم سوالی بپرسیم تا توجه هارو به سمت یه شخص یا یه چیزی جلب کنیم.

I'm feeling hungry. How about you?

من گرسنه ام. تو چگونه؟



کاربرد پنجم

یکی دیگه از کاربردهای خوشگل **about** زمانی هست که در ساختار زیر بکار میره.

do something about something

یعنی برای حل یه مشکلی یا متوقف کردن یه موقعیت بد، یه کاری انجام بدی! مثلا :

Please do something about it.

لطفا در موردش یه کاری بکن.

Can you do something about that noise?

میتونی اون مشکل صدا رو حل کنی؟

Why don't you do something about your room?

چرا مشکل اتاقو حل نمیکنی؟

کاربرد ششم

یکی دیگه از ترکیب های خوشگل **about** به صورت **it's all about somebody/something** هست. زمانی که بخوایم به مهم بودن یه چیزی اشاره کنیم ازش استفاده میکنیم.



It's all about money these days.

این روزها فقط پول مهمه.

It's all about having fun in the sun.

فقط خوش گذراندن توی آفتاب مهمه.

کاربرد هفتم

دیدي بعضی وقتا يهو یکی عصبی میشه و داد و بیداد میکنه و بعد بهش میگی "حالا این همه عصبانیت برای چی بود؟" یه چنین چیزی رو توی انگلیسی محاوره ای داریم:

What was that all about?

زمانی ازش استفاده میکنیم که بخوایم دلیل چیزی رو که تازه اتفاق افتاده بپرسیم.
حالا چندتا مثال خوشگل و کاربردی رو با هم بررسی کنیم.

What's that book about?

اون کتاب درمورد چیه ؟



We were talking about akbar.

داشتیم درمورد اکبر آقا صحبت میکردیم.

I really don't know what all the fuss is about.

واقعا نمیدونم این همه جر و بحث برای چیه.

What didn't you like about the play?

چه چیزی رو در مورد نمایش دوست نداشتی؟

There's something about her life that worries me.

یه چیزی در مورد زندگیش هست که منو نگران میکنه.

She's always talking about you.

همش داره در مورد تو صحبت میکنه.

There's something I wanted to ask you about.

یه چیزی در مورد زندگیش هست که منو نگران میکنه.



What did you like best about the book?

چی این کتاب رو از همه بیشتر دوست داشتی؟

It's about a three-hour drive.

حدود سه ساعت رانندگیه.

There's something wrong about that.

یه چیزیش هست / یه مشکلی داره.

کاربرد های مهم about در نقش قید

بله!

ایشون میتونه نقش قید هم داشته باشه.



کاربرد اول

میتونه به معنی "حدود" باشه.

We left the bank at about 10:30.

حدود ساعت ده و نیم بانک رو ترک کردیم.

I live about 10 miles away.

حدود ده مایل دورتر زندگی میکنم.

کاربرد دوم

در این کاربرد میتونه به معنی "دور و اطراف / در این نزدیکی یا حوالی" باشه.

Is your mother about? I want to talk to her.

مادرت این دور و اطرافه؟ میخوام باهاش صحبت کنم.



کاربرد سوم

در انگلیسی محاوره ای میتونه به معنی "تقریباً / احتمالاً" باشه.

I was about ready to leave when somebody rang the doorbell.

تقریباً برای رفتن آماده بودم که یکی زنگ در رو زد.

We're about ready to leave.

تقریباً آماده رفتن هستیم.

چندتا مثال خوشگل ببین.

It should cost about \$1500.

Tim's about 25 years old.

The church is about a mile away.

He left the house round about four o'clock.



بعد از یکسری فعل ها میتونیم از حرف اضافه ی **about** استفاده کنیم که رایج ترین اونارو براتون میارم.

agree	موافق بودن	fuss	هیاهو کردن
argue	جرو بحث کردن	protest	اعتراض کردن
ask	پرسیدن	speak	صحبت کردن
boast	لاف زدن	talk	حرف زدن
chat	گپ زدن	tell	گفتن
complain	شکایت کردن	think	فکر کردن
consult	مشورت کردن	warn	هشدار دادن
disagree	مخالف بودن	wonder	تعجب کردن
dream	خواب دیدن	worry	نگران بودن

چندتا مثال خوشگل ببین.

We don't always agree about everything.

ما همیشه در مورد همه چی با هم موافق نیستیم.

I don't want to argue about this anymore.

دیگه نمیخوام در این مورد بحث کنم.



Why do people always complain about that?

چرا مردم همیشه در موردش شکایت میکنند / غر میزنن؟

I dream about being with you forever.

من رویای همیشه با تو بودن رو دارم.

Sometimes I wonder about his behavior.

گاهی وقتا در مورد رفتارش تعجب میکنم.

We don't need to worry about him.

لازم نیست در موردش نگران باشیم.

بعد از یه سری اسم ها معمولا از حرف اضافه ی **about** استفاده میکنیم.

advice	نصحت / توصیه	decision	تصمیم
agreement	توافق	fuss	جار و جنجال
anxiety	نگرانی	information	اطلاعات
book	کتاب	judgment	قضاوت
chat	گپ / صحبت	lecture	سخنرانی
concern	نگرانی / علاقه	letter	نامه
consultation	مشورت / مشاوره	misunderstanding	سوتفاهم
debate	مذاکره	prediction	پیش بینی



چندتا مثال خوشگل ببین.

I don't need advice about my life.

من در مورد زندگیم به نصیحت نیاز ندارم.

They reached an agreement about the plan.

در مورد برنامه به توافق رسیدن.

My main concern about moving to Tehran is the cost of housing.

نگرانی اصلی من در مورد رفتن به تهران هزینه مسکنه.

She could not make a decision about the dresses.

نتوانست در مورد لباس تصمیم بگیره.

بعد از یه سری اسم ها معمولا از حرف اضافه ی **about** استفاده میکنیم.

anxious	نگران/دلواپس	nervous	عصبی
certain	مطمئن	optimistic	خوش بین
concerned	نگران/علاقه مند	pleased	خرسند / خوشحال
embarrassed	شرمند / حجلت زده	sorry	متاسف
enthusiastic	مشتاق	uncertain	مردد
fussy	ایرادی	unhappy	غمگین
quilty	گناهکار	upset	ناراحت/نگران
happy	خوشحال	worried	نگران



چندتا مثال خوشگل ببین.

We are all anxious about his health.

همه مون نگران سلامتیش هستيم.

He obviously feels guilty about this.

مشخصه كه در موردش احساس گناه ميكنه.

Do you think she was embarrassed about it?

فكر ميكني در موردش خجالت زده بود؟

She is not fussy about her food.

در مورد غذاش ايرادي نيست.

He is optimistic about the future.

در مورد آينده خوشبينه.

She's still upset about her uncle's death.

هنوز در مورد مرگ عموش ناراحته.

She seemed very pleased about something.

در مورد چيزي بنظر خيلي خوشحال ميرسيد.

